

صحیفہ اشک

مؤلف: حاج سید مہدی جوادین

www.ketab.ir

سرشناسه:	جوادین، حاج سید مهدی
عنوان و نام پدیدآورنده:	صحیفه اشک/ حاج سید مهدی جوادین
مشخصات نشر:	لنگرود/ انتشارات فقیهی/ ۱۳۹۰
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۲۵۴۰-۰۰-۲
مشخصات ظاهری:	۲۶۴ ص
قیمت:	۵۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	شعر مذهبی - قرن ۱۴
موضوع:	شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع:	مرثیه و مرثیه سرایی
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۰ ص ۳ ۴۸۷۲۷۶ ی / PIR ۸۱۰۸
رده‌بندی دیویی:	۸ فا ۱ / ۷۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۵۳۶۴۹۲

اسم کتاب: صحیفه اشک
 مؤلف: مداح اهل بیت: حاج سید مهدی سید جوادین (ملقب به ابوطالب)
 ناشر: فقیهی
 نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۰
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 تایپ: محمدرضا مؤیداحمدی
 قیمت: ۵۵۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۵۴۰-۰۰-۲

انتشارات فقیهی: گیلان- لنگرود - خیابان شریعتی - جنب کتابخانه عمومی -
 ۰۹۱۱۳۴۰۷۸۹

دفتر پخش: کرج - چهارراه مصباح- خیابان امامزاده حسن(ع)
 بعد از پمپ بنزین- بن بست احدائی پ ۳۶۸ ۰۲۶۱۲۷۲۰۷۱۶ / ۰۹۱۲۴۶۰۸۵۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خدا را که به من توفیق عطا فرمود که بتوانم کما فی السابق طرق نوکری خاندان پیغمبر اکرم (ص) را بر گردن نهم و اشعار و ابیات و مرثیه و مصیبت حضرت عبدالله حسین علیه السلام و باران باوفایش را در این دفتر ثبت و حفظ نمایم و چنانچه توفیق حاصل نمودم و حضرت زهرا علیها السلام مرا به نوکری پذیرد و نوحه سرای این خانواده محترم باشم و چنانچه از طفولیت نیز این مقام را داشتم و افتخار من همین است و هر چه دارم از این خاندان دارم و از خانواده بزرگ می خواهم بین من و عائله ام با این خانواده جدائی نیاندازد بلکه ارادت ما را روز به روز افزون تر نماید. انشاء الله .

سید مهدی سید جوادین

یا حسین

من از کودکی عاشقت بوده ام مبادا برانی مرا از برت

من تولدی حسین با شیر از مادر گرفتم

بر مشام جان زدم یک قطره از عطر حسین

دوست دارم با گدایان همدم و همسفر باشم

دوست دارم تا بنشینم بر دل درد یتیمان

دوست دارم با که دارم سائلان بر خود مقدم

دوست دارم تا یتیمان هم به من بابا بگویند

دوست دارم با یتیمان شام را در کوفه باشم

دوست دارم درباریم را شبی در خواب ببینم

دوست دارم موجبی باشد ولی مدح تو گویم

قبولم نما گرچه آلوده ام به پهلوی شکسته مادرت

روز اول کامدم دستور تا آخر گرفتم

سبقت از مشک و گلاب و ناقه و عنبر گرفتم

ما پریشانان نشینیم از غم ایشان بنالم

بر یتیمان عرب هر لحظه چون طفلان بنالم

درد ایشان دارم اینک از دل درمان بنالم

در بساط بی سر و سامان بنالم

در مدینه تا سحر بر تربت جانان بنالم

تا در آویزم چو حرف عطر بر دامن بنالم

هم علی گویان بخندم هم علی جویان بنالم